

# هو الله - ای بندهٔ جمالِ ابهی شکایت از اذیت و مشقت...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۴۲

هو الله

ای بندهٔ جمالِ ابهی شکایت از اذیت و مشقت نموده بودید که احباب ایران دائماً در تعب و زحمتند و از جور و ستم علمای شریعت و رعیت در بلا و مشقت. ای بندهٔ صادق، جمال قدم همواره پنجاه سال به بلایا و ضراء و محن و رزایا و صدمات و جور و جفا گرفتار بود. حال دل و جان چگونه راضی گردد که ما در امن و امان با راحت جان و آسایش وجدان بیاسائیم؟ آن دلبر بیهمتا همواره تلخی سمّ نفع چشید، ما چگونه جام شهد و شکر نوشیم؟ او صدمات شدیده دید، ما چگونه راحت جدیده جوئیم؟ او در زیر زنجیر رفت، ما چگونه شکر و شیر پیامیزیم؟ این وفا نبود و محبت را نشاید بلکه باید به عجز و نیاز و گریه و زاری و نهایت بیقراری استدعای بلا کنیم و پیش تیغ جفا سر بنهیم و از قید ما سوی برهیم و داد وفا بدهیم و علیک التّحیّة و الثّناء. ع ع



ORIGINAL



AUDIO